

درس چهارم

خیمه اجتماع

خروج ۲۴-۴۰، لاویان ۱۶

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم. در درس گذشته خود، دیدیم که آنها از خداوندی که آنها را از بردگی در مصر رها کرده بود رویگردان شدند. در حالیکه موسی بر کوه سینا کلام خدا را از خداوند دریافت می‌کرد، بنی‌اسرائیل گوساله‌ای طلایی تراشیدند و آن را پرستش کردند. اما امروز، قصد داریم داستان خوشایندی را برایتان بیان کنیم. اما باید به دقت به آن گوش دهیم زیرا بسیار عمیق است. امروز قصد داریم در مورد خیمه‌ای صحبت کنیم که خدا دستور ساخت آن را به موسی و اسرائیل داد تا بدینوسیله به آنها بیاموزد که چگونه به او نزدیک شوند و او را پرستش کنند. درس امروز ما «خیمه اجتماع» نام دارد.

از تورات، کتاب خروج، باب بیست و چهار برایتان قرائت می‌کنیم، کتاب مقدس می‌گوید:

و جلال خداوند بر کوه سینا قرار گرفت، و شش روز ابر آن را پوشانید، و روز هفتمین، موسی را از میان ابر ندا در داد. و منظر جلال خداوند مثل آتش سوزنده در نظر بنی‌اسرائیل بر قله کوه بود. و موسی به میان ابر داخل شده به فراز کوه برآمد. و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند. (۱۶:۲۴-۱۸)

و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: «به بنی‌اسرائیل بگو که برای من هدایا بیاورند؛ از هر که به میل دل بیاورد، هدایای مرا بگیرد. و این است هدایا که از ایشان می‌گیرید: طلا و نقره و برنج، و لاجورد و ارغوان و قرمز و کتان نازک و پشم بز، و پوست قوچ سرخ شده و پوست خنز و چوب شطیم، و روغن برای چراغها، و ادویه برای روغن مسح، و برای بخور معطر، و سنگهای عقیق و سنگهای مرصعی برای ایفود و سینه بند. و مقامی و مقدسی برای من بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم. موافق هر آنچه به تو نشان دهم از نمونه مسکن و نمونه جمیع اسبابش، همچنین بسازید. (۱:۲۵-۹)

آیا آنچه را که خدا به موسی گفت شنیدید؟ او چیزی بسیار عجیب و خارق‌العاده به او گفت! خدا قصد داشت در میان اسرائیل ساکن شود، در میان کسانی که بارها و بارها نسبت به او مرتکب گناه شده بودند! چرا خدایی که اینقدر عظیم و قدوس است، می‌خواست در میان چنین گناهکارانی زندگی کند؟ چرا خدا، که روح است و به چیزی نیاز ندارد به خود زحمت می‌داد تا با فرزندان آدم که از او دور شده بودند سخن بگوید؟ همانگونه که قبلاً هم خواندیم، خدا انسان را به صورت خود آفرید تا با او ارتباط و مشارکت داشته باشد. گناه انسان آن مشارکت را از بین برد، اما خدا راهی مقدس قرار داد تا انسان بتواند به او نزدیک شود. خداوند خدا به خاطر اهداف ابدی خود و دلسوزی او نسبت به گناهکاران تصمیم گرفت حضور پرجلال خود را به میان

بنی اسرائیل ببرد. خدا قصد داشت توسط یک خیمه مخصوص و شریعتی بسیار خاص، روشن سازد که بنی آدم چگونه می‌توانستند به خدا نزدیک شوند. همانگونه که گفتیم، خدا قدوس است، و گناهکاران به هیچ وجه نمی‌توانستند با او مشارکت داشته باشند. بنا به همین دلیل خدا به بنی اسرائیل فرمان داد خیمه‌ای خاص برای او بسازند تا به شکلی که شایسته قدوسیت و جلال او باشد در میان آنها ساکن شود. همچنین خدا توسط خیمه مخصوص خود قصد داشت درسه‌های بسیار مهمی درباره خود و نجات‌دهنده‌ای که او قصد داشت به این دنیا بفرستد به نسلهای آینده بیاموزد.

پیش از اینکه به بررسی فرمان خدا به موسی برای ساخت خیمه‌ای که قوم باید برای می‌ساختند پردازیم، باید پیش از هر چیز بدانیم که مقصود خدا این نبود که به آنها بگوید خیمه‌ای برای او بسازند زیرا او به جایی برا ماندن نیاز دارد! خدای متعال، که دنیا و هر آنچه که در آن است آفرید، در خانه‌هایی که به دست انسان ساخته می‌شود زندگی نمی‌کند! خداوند خود در نوشته‌های انبیا اعلام می‌کند: «آسمانها کرسی من و زمین پای انداز من است، پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجاست؟ و مکان آرام من کجاست؟ خداوند می‌گوید:

دست من همه این چیزها را ساخت پس جمیع اینها بوجود آمد.» (اشعیا ۶۶: ۱، ۲؛ اعمال ۷: ۴۸، ۴۹)

پس چرا خدا به بنی اسرائیل فرمان داد تا خیمه‌ای بسازند که روح و جلال او در آن ساکن شود؟ همانگونه که گفتیم، خدا می‌خواست به بنی اسرائیل و تمام بنی آدم بیاموزد که چقدر دوست دارد با آنها مشارکت داشته باشد. همچنین خدا می‌خواست تصویری از راه آمرزش گناهان انسانها و حیات ابدی در آسمان و در کنار خدا در مقابل آنها قرار دهد!

از این رو، خدا به موسی و اسرائیل فرمان داد برای او خیمه‌ای بسازند تا بتواند در میان آنها ساکن شود. اما این خیمه اجتماع نباید همچون خیمه‌های معمولی باشد. در حقیقت، کتاب مقدس پنجاه باب را به روش ساخت خیمه اجتماع اختصاص می‌دهد! این بابها بسیار عمیق هستند و فرصت آن را نداریم که درباره این مفاهیم سخن بگوییم. تنها تلاش می‌کنیم مهمترین موضوعات را به شکلی خلاصه بیان کنیم.

اولین چیزی که باید دریاره این خیمه اجتماع بدانید این است که خدا به موسی گفت باید دو اتاق داشته باشد. خیمه اجتماع یک خیمه بود، اما پرده‌ای بسیار سنگین و زیبا این خیمه را به دو اتاق تقسیم کرده بود.

اتاق اول صحن مقدس نامیده شده است. هیچکس نمی‌توانست به آن اتاق داخل شود جز کاهنان (روحانیون). کاهنان کسانی بودند که خدا آنها را از میان فرزندان هارون انتخاب کرده بود تا حیوانات را به عنوان قربانی که گناهان را می‌پوشاند بکشند. در آن اتاق سه چیز بود. یک میز طلائی که بر روی آن بخور سوزانیده می‌شد، یک چراغدان، و میزی که بر روی آن نانی که باید به خدا تقدیم می‌شد قرار می‌گرفت.

دومین اتاق خیمه قدس اقداس نامیده شده است. از این جهت این اتاق قدس اقداس نامیده شد که خدا قصد داشت پس از پایان کار خیمه، نزول کند و با تمام جلال و شکوه خود در آنجا ساکن شود. قدس اقداس تصویری از آسمان (بهشت) بود. پس این اتاق تنها به خدا تعلق داشت! به همین دلیل است که خدا به موسی

گفت هر کس که به قدس اقداس داخل شود خواهد مرد! هیچکس نمی‌توانست به قدس اقداس داخل شود مگر رئیس کهنه و آن هم سالی یکبار. گذشته از اینها طبق فرمان خدا، او باید با خون قربانی که برای گناهان خود و قومش ریخته می‌شد به آنجا داخل می‌شد.

خدا به موسی فرمان داده بود در قدس اقداس صندوقچه‌ای از چوب اقاویا و پوشیده از طلای خالص قرار دهد. آن صندوقچه **تابوت عهد** نام داشت. و داخل این تابوت عهد، دو لوح سنگی‌ای که ده فرمان بر آنها حک شده بود قرار می‌گرفت. و بالای تابوت (صندوقچه) درپوشی از طلا قرار دادند که رئیس کهنه باید خون قربانی را سالی یکبار بر آم می‌ریخت تا خدا گناه بنی‌اسرائیل را می‌آمرزید. به همین دلیل است که خدا این پوشش را تخت رحمت (پوشش کفاره) نامید.

پس از آن، خدا به موسی نشان داد که چگونه پرده‌ای بزرگ بسازد به طوری‌که خیمه اجتماع را احاطه کند. این دیوار، یا دیوار صحن باید از پرده سفید ساخته می‌شد. در پرده‌ای که خیمه را احاطه کرده بود باید دری می‌ساختند. از این رو کسی نمی‌توانست بدون گذشتن از در به صحن خیمه داخل شود. خدا به موسی فرمان داد که درون صحن، و در مقابل در صحن مذبحی از جنس برنز قرار دهند. هر کسی که از در صحن داخل می‌شد باید ابتدا از مقابل مذبح می‌گذشت. خدا می‌خواست به بنی‌اسرائیل و تمام فرزندان آدم بیاموزد که چگونه باید به خدا نزدیک شوند. بنی‌اسرائیل چگونه باید به خدا نزدیک می‌شدند؟ با خون قربانی.

هر کسی که می‌خواست به صحن «حضور خدا» وارد شود باید حیوانی را به عنوان کفاره گناهان خود قربانی می‌کرد. خدا در واقع به بنی‌اسرائیل می‌آموخت که هیچکس نمی‌تواند به او نزدیک شود مگر به واسطه خون قربانی. به همین خاطر است که خدا به موسی گفت: «جان جسد در خون است، و من آن را بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره می‌کند.» (لاویان ۱۷:۱۱)

بنابراین، اگر کسی می‌خواست خدا را پرستش کند، باید پیش از هر چیز یک حیوان را برای بخشش گناهان خود قربانی می‌کرد. پرستنده باید گوساله، گوسفند، و یا پرنده‌ای را به صحن خیمه اجتماع می‌آورد. او باید در مقابل مذبح دستهای خود را بر روی سر قربانی‌ای که آورده بود، می‌گذاشت و در حضور خدا اعتراف می‌کرد که گناهکار است و باید به خاطر گناهان خود بمیرد. سپس او حیوان را قربانی می‌کرد. پس از آن کاهن باید خون قربانی را می‌گرفت و بر مذبح می‌پاشید، و قربانی را بر مذبح می‌سوزانید. به این شکل خدا می‌توانست گناهان شخص را بیامرزد (بپوشاند)، زیرا حیوان بی‌گناه به جای او جان داده بود.

بنی‌اسرائیل باید هر ساله این قربانی‌ها را تکرار می‌کردند. قربانی حیوان نمی‌توانست تا به ابد خواسته‌های خدا قدوس را برآوردن سازد. آنها تنها تصویری گذرا از نجات‌دهنده‌ای بودند که باید به این دنیا می‌آمد و به جای گناهکاران قربانی می‌شد - تا خدا بدینوسیله بتواند برای همیشه گناهان فرزندان آدم را ببخشد، بدون اینکه قدوسیت خود را نادیده انگارد.

خدا برای اینکه آنچه را که نجات‌دهنده برای گناهکاران انجام می‌داد به تصویر بکشد، بر بنی‌اسرائیل مقرر داشت هر ساله یک روز رئیس کهنه به اتاق دوم، قدس اقداس، خیمه اجتماع داخل شود. آن روز، روز

کفاره نامیده شد. در آن روز رئیس کهنه حق داشت به قدس اقداس داخل شود، و خون قربانی را بر پوشش (تخت رحمت) تابوت عهد بپاشد. او هیچگاه نمی‌توانست بدون همراه داشتن خون حیوان بی‌عیب، که برای گناهان خود و قوم تقدیس کرده بود، به قدس اقداس داخل شود. بدین شکل خدا آشکار می‌ساخت که نجات‌دهنده چگونه به این دنیا می‌آمد و خون خود را می‌ریخت تا خدا گناهکاران را ببخشد و آنها را تا به ابد به حضور خود بپذیرد.

آه، شنوندگان عزیز، درس امروز ما بسیار عمیق و عجیب است. و بسیار بیشتر از اینها می‌توان سخن گفت، اما وقت ما امروز رو به پایان است. با اینحال پیش از اینکه با شما وداع کنیم، موضوعی دیگر نیز دربارهٔ خیمه اجتماع است که باید بدانیم. در بابهای پایانی کتاب خروج چنین نوشته شده است:

«موافق آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود همچنین تمام کار را ساختند. و موسی تمام کارها را ملاحظه کرد و اینک موافق آنچه خداوند امر فرموده بود ساخته بودند، همچنین کرده بودند. و موسی ایشان را برکت داد... آنگاه خیمه اجتماع را ابر پوشانید و جلال خداوند مسکن را پر ساخت. و موسی نتوانست بر خیمه اجتماع داخل شود، زیرا که ابر بر آن ساکن بود، و جلال خداوند مسکن را پر ساخته بود.» (خروج ۴۲:۳۹، ۴۳؛ ۳۵، ۳۴:۴۰)

دیدید چه اتفاقی افتاد؟ پس از اینکه خیمه اجتماع آماده شد، جلال خدا بر خیمه نازل شد و قدس اقداس را پر کرد، و نور جلال خدا درخشان شد، حتی بیشتر از نور خورشید! آنچه که باید به خاطر بسپاریم این است که خدا با تمام این کارها در واقع برکتی بسیار عظیم‌تر را که به هنگام ظهور نجات‌دهندهٔ دنیا از آسمان نازل و در میان بنی‌آدم ساکن می‌شد به تصویر می‌کشید. نجات‌دهنده خود «خیمه اجتماع» حقیقی است که خدا بخشید تا ما بتوانیم تا به ابد با او رابطه‌ای نزدیک و دوستانه با او داشته باشیم! همانگونه که در انجیل مقدس نوشته شده است:

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود..... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد! و جلال او را دیدیم!... (او است) بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد! (یوحنا ۱:۱، ۱۴، ۲۹)

بله، نجات‌دهنده کسی است که خود تحقق خیمه اجتماع و قربانی‌هایی که در آن گذرانیده می‌شد بود، بلکه او به این دنیا نیامد تا تنها در میان انسانها زندگی کند، بلکه تا خون خود را به عنوان یک قربانی کامل برای گناهکاران بریزد، تا هر که به او ایمان آورد تا به ابد با خدا رابطه‌ای نزدیک داشته باشد!

آیا درک مسایلی که امروز مطرح شد دشوار است؟ پس به خاطر بسپاریم که درک برخی چیزها در کلام خدا بسیار دشوار است، ولی این باعث نمی‌شود که رنگ حقیقت را در آنها کمرنگ‌تر سازد! هیچگاه فراموش نکنیم که خود خداوند گفت: «افکار من افکار شما نیست، و طریق‌های شما طریق‌های من نی!... چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد.» (اشعیا

برنامه ما در اینجا به پایان می‌رسد....

خدا به شما برکت دهد.

با این آیه از کتاب مقدس شما را به خدا می‌سپاریم:

«زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا! چقدر بعید از غوررسی است احکام او و فوق از

کاوش است طریق‌های وی! زیرا کیست که رأی خداوند را دانسته باشد؟ یا که مشیر او شده؟ ... زیرا که

از او و به او و تا او همه چیز است؛ و او را تا ابدالابد جلال باد، آمین.» (رومیان ۱۱: ۳۳-۳۶).

[وہ کہ چہ ژرف است دولت و حکمت و علم خدا؛ و تقدیرهای او کاوش ناپذیر است

و راه‌هایش درک ناشدنی.

زیرا کیست کہ از فکر خداوند آگاہ بوده و یا مشاورہ او بوده باشد؟

زیرا ہمہ چیز از او، و بہ واسطۂ او و برای اوست.

او را تا ابد جلال باد. آمین.] ترجمہ ہزارہ نو